



بررسی مبانی فلسفی کمال انسان از دیدگاه شهید ثانی و ارائه الگوی مفهومی برای تصعید انسان

نشمین کاکی (نویسنده مسئول)^۱، ادهم خالدیان^۲

^۱ کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اراک، شاغل در آموزش و پرورش شهرستان کامیاران nashmin58.k@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، شاغل در آموزش و پرورش شهرستان کامیاران a.khaledyan@gmail.com

چکیده

در دین اسلام تلاشهای زیادی از جانب رهبران الهی برای رسیدن انسان به کمال نهایی صورت گرفته است و این موضوع در منابع متعددی پیگیری شده است. هدف از تدوین مقاله حاضر بررسی مبانی فلسفی کمال انسان از دیدگاه شهید ثانی و ارائه الگوی مفهومی برای تصعید انسان بود. این پژوهش از نوع نظری و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل از نوع تحلیل مفهومی صورت گرفته است. برای جمع آوری داده ها از روش اسنادی و فیش برداری منابع مختلف و پژوهشهای نزدیک به این پژوهش انجام شده است. جامعه پژوهش در پژوهش حاضر متنی بود و شامل کلیه کتب و منابع الکترونیکی در مورد کمال انسان به ویژه از دیدگاه شهید ثانی بود و حجم نمونه به صورت هدفمند گزینشی از منابع در دسترس بود که با توجه به اهداف پژوهش از این منابع در گردآوری داده ها استفاده شده است. ثانی انسان را دارای خصلتی مدنی دانسته و نیروی عقلی را که خداوند به وی عنایت کرده، در تعامل با سایرین و همبازی با آنان به مدد وی می رساند. اما به لحاظ ناکافی بودن آن لازم می بیند که هدایت وحیانی از جانب خداوند، این رسول باطنی را معتضد و کمک رساند. شهید ثانی معتقد است طبیعت و جهان هستی بر اساس عدالت استوار است و هرگاه عدالت رخت بریندند و اشیاء از جایگاه حقیقی خود دور شده و در غیر موضعی قرار گیرند نظم عمومی در جهان نیز بر هم خواهد خورد.

واژه‌های کلیدی

کمال انسان، تصعید انسان، شهید ثانی

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱. مقدمه

مهمترین اصل در حوزه معرفت و شناخت شناسی تبیین کمال انسان است. سعادت خواهی انسان از گرایش‌های ذاتی او محسوب می‌شود. انسان موجودی دو بعدی است، مادی معنوی. بی‌گمان انسان، تنها با تقویت بعد مادی خویش و رها ساختن باد معنوی، خویشتن را به سوی غفلت پستی می‌کشد، ولی اگر در کنار بعد مادی به جنبه معنوی نیز توجه داشته باشد و تصفیه روح و تکامل نفس خویش بپردازد، به مرحله انسانیت حرکت کرده و راه کمال را طی می‌کند تا جایی که بتواند انسان کامل شود و به مقام خلیفه الهی برسد یکی از خصوصیات انسان، رفتن به سمت هدف است. این هدف به عنوان کمال و گام برداشتن در محیطی بهتر، به صورت مداوم در مقابل انسان است. توجه کردن به مبحث کمال و همچنین ویژگی‌های آن، نحوه دسترسی به کمال و خصوصیات انسان کامل از مواردی است که هر کسی بخواهد از انسان بحث کند و به تحلیل حقیقت وجودی او بپردازد، ناچاراً باید از این موضوع استفاده کند. [۷] کمال جویی از جمله گرایش‌های فطری انسان بوده و هر شخصی در وجود خود به دنبال رسیدن به کمال و تحصیل آن است. اما علیرغم بدیهی بودن اصل وجود این گرایش در انسان، مصادیق و متعلقات آن از جمله بحث انگیزترین مباحث‌های اخلاقی به شمار می‌رود [۲۳] بحث کمال‌نهایی انسان از دیرباز مورد توجه بوده است و همه تلاش‌های انبیا و اولیای الهی در جهت رسیدن به این اهداف والای انسانی صورت گرفته است؛ علاوه بر این فیلسوفان و دانشمندان بسیاری نیز در این باره به بحث پرداخته‌اند و کمال را از بعد و منظری تعریف کرده‌اند. از جمله آنها زین‌الدین بن نورالدین علی معروف به «شهید ثانی» است. وی در کتاب «الاقتصاد و الارشاد» آورده است که خداوند علیم و حکیم انسان را در بهترین شرایط خلق کرده و مدرکات، مشاعر و قوایی در او تعبیه کرده، قلب او را هدایت‌نورانی نموده و او را با رای صائب و فکر درست زینت داده است و شکی نیست که هر مولف عاقلی دارای قوه فکر است که معلومات بر آن مترتب می‌شود و از آن منتقل به مجهولات می‌شود گرچه کیفیت ترتیب و انتقالات را نداند مثل دارنده قوه باصره که محسوسات را ادراک می‌کند. همین‌طور انسان دارنده قوه فکر، تفکر و استدلال می‌کند اگرچه کیفیت فکر و استدلال را نداند. [۱۵] کمال انسان در کتب اخلاقی، فلسفی و کلامی و نیز عرفانی موضوع و محور گفتگو می‌باشد. کمال هر چیز عبارت است از غرض و هدف آن چیز و تکامل امری ملازم با حرکت است و تا حرکت نباشد دست‌یابی به کمال میسر نخواهد بود. نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع موثق و اصیل به بحث کمال انسانی و ابعاد متفاوت آن توجه داشت است و عواملی را که انسان از طریق آن می‌تواند به رشد و کمال مورد نظر دست یابد، بر شمرده است. [۲۲] کمال از مصدر کمال یعنی انجام یافتن، تمام شدن به حد کمال رسیدن و نتیجه گرفتن، گرفته شده است. در قرآن کریم در سوره مائده آیه ۳ نیز می‌فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم» امروز دین شما کامل و تمام شد حرکت اسلام زمینه را برای برقراری عدالت اجتماعی فراهم می‌نماید و در چنین فضایی است که انسان می‌تواند نیروها و استعدادهای خود را شکوفا کند و به رشد و کمال نائل آید لزوم توجه به عدالت در عرصه حیات مادی بشر، موجب شده است که اندیشمندان اسلامی در تمامی آثار خود، عدالت را از شرایط و ارکان اصلی مناسب حکومتی بشمارند. [۱۷]

تعیین مصادیق کمال و چگونگی حرکت انسان به سوی تعالی، امری مهم و قابل بررسی و تحقیق می‌باشد، شهید ثانی به عنوان یکی از مشهورترین و متبحرترین علمای فقهی، بیان نموده‌اند که انسان آن‌گونه که خدا مقرر کرده است، مسیر کمالی را طی می‌کند و سیر به سوی سعادت دارد و هر فردی متوجه می‌شود که زمام امور جهان هستی در دست خداوند است. با توجه به این که کمال انسان دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که قابل تحلیل و بررسی است مقاله حاضر به تبیین نظر شهید ثانی در باب کمال انسان و همچنین ظرفیت این دیدگاه در ارائه الگوی مفهومی برای تعالی و تصعید انسان پرداخته است و بر آنیم که دیدگاه شهید ثانی را در باب کمال انسانی بررسی نموده و به این سوال پاسخ دهیم که کمال انسان از دیدگاه ایشان دارای چه ابعادی می‌باشد؟ و در نهایت چگونه یک الگوی مفهومی برای تعالی و تصعید انسان ارائه نمائیم؟ نتیجه احتمالی این پژوهش می‌تواند مسیری روشن برای رسیدن به تعالی و توجه به عالم بالا و امور عالیه، ترسیم نماید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲. کمال

کلمه «کمال» از «کمل» گرفته شده است و در لغت به معنای تمام شدن و اتمام آراستگی صفات است. [۲۶] واژه «کمال» و هم‌معنای نزدیک آن «تمام» در مقابل کلمه «ناقص» به کار می‌رود. «تمام» یعنی برای یک شیء ناقص، زمانی به کار می‌رود که پس از آنکه

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



شی «تمام» شد، یعنی تمام زوایای وجودی خویش را دریافت کرد، باز درجه بالاتری از آن هم می تواند داشته باشد؛ به بیان دیگر، «تمام» را می توان سیر هر مورد در جهت افقی آن در نظر گرفت. [۸] و «کمال» را در جهت عمودی آن. [۱] «کمال رسالت نزد عارفان، رسیدن به نهایت مقصود و واصل گشتن به حق است که این امر جز در مقام فنای در حق و بقای او به دست نمی آید. بنابراین کمال هر موجود زنده‌ای استعداد هایی است که به ذهنیت رسیده است که این استعدادها را در دستگاه آفرینش در وجود او نهادینه کرده است و در حرکت به سوی آن فعلیت ها، هیچ نوع انحرافی صورت نداده و هیچ مانعی در راه شتاب آنها رخ ندهد.» [۲۳]

۲.۲. کمال انسان

اسلام هدف از آفرینش انسان را دستیابی به کمال می داند کمال به معنی دستیابی به اعلائی از شناختن است و مطابق آیه قرآن ارجحیت و برتری انسان ها نسبت به دیگر به میزان تقوای آنان است. پیش زمینه تقوا رسیدن به شناخت و دستیابی با قدرت تمیز حق از باطل است. پس تقوا بدون اندیشه ورزی و تدبیر معنا ندارد به نحوی که تقوا بدون کمال و کمال بدون تقوا بی معناست. انسان کامل از منظر قرآن با استدلال و برهان بیان شده است. زیرا شان همه موجودات این است که معلوم نفس انسانی گردند و شان نفس نیز این است که می تواند از مرحله عقل هیولایی به مرحله عقل مستفاد و عقل بسیط برسد، بلکه بر آنها نیز محیط می شود و از ظلمت جهل به جهان نور انتقال می یابد و به دانستن هر حقیقت کلی، باری از عالم غیب به رویش گشوده می شود. زیرا علم نوعی وجود نوری و محیط و میسوط و بسیط است و همچنین بر حسب ارتقای درجات معرفتی، سعه وجودی او، گسترش نور ذات او اقتدار و استیلائی او بیشتر می شود و قابلیت برای انتقال به مراحل بالاتر سیر علمی بهتر پیدا می کند تا کم کم مفاتیح حقایق را در دست می گیرد و چون استعدادش تام باشد به مرحله عقل مستفاد می رسد. به عبارت دیگر، بدل به عقل بسیط می شود که عقل بسیط علم بسیط است و منظور از آن، وجودی است که از سعه نوریت و جامعیتش حائز همه انوار معارف حقه است و جمیع اسمای حسنا الهی را به استثنای اسماء مستاتره واجد است. پس چنین فردی خزانه علوم و مظهر تام و کمال می شود و به مقام شامخ ولایت تکوین میرسد و خلیفه الله می گردد و در قوت عقل نظری و عقل عملی به غایت قصوی نایل می شود. کمال انسان در واقع به این است که مجموعه اندام عالم در ذهن او منعکس شود. یعنی انسان خودش جهانی در برابر آن جهان گشود، با این تفاوت که آن جهان، جهان عینی و این جهان، جهانی عقلانی و فکری است. [۴] تکمیل انسان کامل در سیر عوالم یکی از موضوعاتی است که در قرآن، سوره زخرف، به آن اشاره شده است: که در تفسیر آن گفته اند «أی و اسأل من أرسلنا»، از خود انبیای سلف بپرسید و هیچ حاجت به تقدیر مضاف نیست. بدان معنا که انسان کامل در هر مرتبه نظام هستی می تواند هم به پیش از آن و هم به پس از آن آگاهی یابد و نیز می تواند هم از گذشته و هم از آینده خبر بدهد و علیرغم این، می تواند هم به سلسله علل آن و هم به سلسله معلومات آن پی ببرد. ملاصدرا می نویسد: «کمال آن چیز است که شیء با آن تمام خواهد بود، یا از نظر ماهیت که کمال اول است؛ مثل حیوانیت و ناطقیت یا از نظر صفت که کمال دوم است؛ مانند شجاعت در انسان.» [۲۱]

۲.۳. انسان شناسی از منظر پست مدرنیسم

پست مدرنیسم، در واقع ناشی از فروپاشی سوژه است، یعنی سوژه انسانی پست مدرن، فاقد جوهر از پیش تعیین شده است و از طریق عواملی چون روابط اجتماعی خاص، زبان و فرهنگ شکل می گیرد [۹] بنابراین، انگاشت «انسانیت مشترک»، توهمی بیش نیست. [۲۲] لیوتارد [۲۴] در تبیین و توضیح برداشت خود از پست مدرنیسم، بر این باور غلط است که دیگر نمی توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمولی سخن گفت؛ زیرا به نظر وی عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست مدرن مطرح است، این است که انسان باید از عقل ها و بینش ها و اندیشه های متکثر سخن به میان آورد. بر این اساس، در نگاه پست مدرن، توجه انسان از کلی گرایی و کلی سازی دموکراسی باز و تکثر گرایانه منعطف می باشد. لیوتارد را می توان پیشگامان بینش پست مدرنیسم دانست که بر نفی و انکار اندیشه «روایت بزرگ» اصرار می ورزد. به گفته ی وی پست مدرنیته هیچگاه نمی تواند و نباید معرفت شناسی را بر اساس طرح داستانی روایت بزرگ مبتنی سازد. این طرح که از شاخصه های و ویژگی های جوامع سنتی و احیاناً اصولگرا می باشد، به مطالعه انسان در ظرف زمانی وسیع و گسترش یافته های از گذشته های معین و آینده ای پیش بینی پذیر، می پردازد و برای علمی که حاصل تجربیات و اندوخته های ثابت گذشته و پیش بینی های قابل تحقق در آینده می باشد، ارزش و جایگاه ویژه ای قائل است. [۲۴]

۴.۲. کمال انسان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



قرآن حاوی آموزه‌های بسیار با اهمیتی در ارتباط با سرشت انسان و سیر تکامل اوست. در نگاه اولیه به آموزه‌های قرآنی در مورد انسان به سه گزاره مواجه می‌شویم. ۱- سرشت انسان هماهنگ با آیین الهی و تغییر ناپذیر است ۲- طبیعت انسان با نیروی نسبتاً قوی انسان را به سمت بدی‌ها سوق می‌دهد ۳- انسان آفریده شده است تا خلیفه خدا در روی زمین باشد و سرانجام آن‌که، با نفسی مطمئن به بارگاه قدس و پاکی رجعت کند. اینها گزاره‌هایی هستند که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت. دو گزاره اول و سوم، بر خلقت انسان بر سرشتی نیکو و آماده برای سیر در آیین الهی برای رسیدن هدفی متعالی یعنی خلافت الهی است. به بیان دیگر، این دو گزاره مبدا و مقصد راه کمال را به بهترین شکل نشان داده‌اند، با این حال گزاره دوم نشان می‌دهد که رفتن این راه به آسانی ممکن نیست و انسان در این مسیر با موانعی جدی روبرو خواهد بود. آیات قرآن در ارتباط با انسان و نسبت او با خوبی و بدی به گونه‌ای است که ضمن تاکید بر آگاهی انسان بر خوبی و بدی به واسطه الهام الهی، گرایش اولیه و شدید انسان را به بدی‌ها نشان می‌دهد. این گرایش به گونه‌ای است که اصل اولیه در انسانها به شمار می‌رود که طرف مقابلش، یعنی گرایش به خوبی‌ها همیشه به عنوان استثنا فرض شده است [۱۹] جلال لدین محمد بلخی معتقد است که انسان کامل به طور ذاتی و فطری با دیگر انسان‌ها تفاوت دارد که دامنه این تفاوت به عقل و ادراکات هم می‌رسد. در عین حال، انجام تکالیف شرعی، پایبندی به طریقت، همنشینی و صحبت با اولیا و تحت هدایت پیر طریقت عمل کردن را از لوازم رسیدن به کمال می‌داند. در واقع انسان کامل از دیدگاه مولوی، انسانی است که دارای یک سلسله خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فردی است که این صفات و ویژگی‌ها به ندرت در یک فرد جمع می‌شود. از این رو انسان کامل به سختی یافت می‌شود و از این منظر در حاکم «کیمیایی کمیاب» است [۶] انسان کامل از دیدگاه فارابی انسانی است که از لحاظ تعقل و تفکر به بالاترین مراتب مکلف یعنی مرتبه عقل مستفاد و اتصال به عقل فعال رسیده و دارای سرشتی عالی، روحی بزرگ و جامع و صفات عالی اخلاقی و ملکات فاضله انسانی باشد. فارابی رئیس مدینه فاضله‌ای را انسانی در حد پیامبر (ص) و امام علی (ع) می‌داند، زیرا معرفت خود رامستقیما از ناحیه وحی، یعنی از عقل فعال، دریافت می‌کند و به این وسیله از جریان امور و حوادث گذشته و آینده مطلع می‌گردد. وی می‌گوید «هرآنچه از ناحیه خدای متعال به عقل فعال اضافه می‌شود از عقل فعال به وساطت عقل مستفاد به عقل منفعل او و از آنجا به قوه متخیله اش افزوده می‌شود. پس به واسطه فیوضاتی که از عقل به عقل منفعل او افزوده می‌گردد، حکیم، فیلسوف و متعقل کامل، و به واسطه فیوضاتی که از او به قوه متخیله اش افزوده می‌شود، نبی و منذر خواهد بود و از آینده خبر خواهد داد» (آراء اهل مدینه ی فاضله و معادات). ابن سینا نیز مانند فارابی هدف اساسی تعلیم و تربیت جامعه را پرورش «شخصیت کامل» یعنی شخصیتی که از ابعاد مختلف جسمانی، ذهنی و اخلاقی و شغلی به درجه بلوغ و کمال رسیده است، می‌داند. او «سعادت را بعنوان امر ذاتا مطلوب، بالاترین چیزی می‌پندارد که انسان به دنبال کسب آن است. لیکن، از نظر وی سعادت حقیقی در دستیابی به کمال هم از بعد نظری و هم علمی است. با این حال، کمال خاص انسانی را کمال عقل نظری می‌داند و اصلاح و تهذیب عقل عملی را مقدمه‌ای برای وصول به سعادت نهائی می‌شمارد» [۴].

ملاصدرا در توصیف مراتب وجودی انسان، او را همچون مسافری توصیف می‌کند که حرکتش را از خاک و با حدوث جسمانی آغاز می‌کند و تا افلاک و پس از آن، با بقائی روحانی ادامه می‌دهد. انسان مسافری است از جسمانیه الحدوث تا روحانیه البقاء. او دنیا را منزلی از منازل سالکین الی الله تعبیر می‌کند و انسان را مسافری می‌داند که از منازل متعدد باید عبور کند تا به مطلوب حقیقی خویش نایل شود. لذا دنیا از این جهت متصل به آخرت است و کمال انسان بر حسب دو نشئه دنیا و آخرت معنا و مفهوم پیدا می‌کند. نفس انسانی که حدوثش به بدن است (نه با بدن)، در آغاز پیدایش، نهایت عالم جسمانی در کمال هستی و آغاز عالم روحانی در کمال عقلی است. نفس انسانی که انسانیت انسان بدان است، در تلقی صدرائی جایگاه رفیعی دارد. صدرا نفس را باب الله می‌داند که دروازه و مفتاح تعالی و تجرد است. نفس که در پیوندی ناگسستنی با بدن، هویت انسان را شکل می‌دهد، قابلیت پذیرش فعلیت‌ها و صورت‌هایی را دارد که سیر صعودی و استکمالی انسان و با کسب معرفت و عمل صالح تحقق می‌یابند. فعلیت‌هایی که برای نفس انسانی در این عالم با معرفت، ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود، خود بذر و قابلیت است که در عالم آخرت متصف به فعلیت‌ها و صور ملکوتی و متعالی آن عالم می‌گردد. صدرا در این خصوص می‌گوید: «نفس باب الهی است که بندگان را امر نموده که از آن به خانه الهی و عرش عظیم او قدم نهند؛ فاتو البیوت من ابوابها، نفس، صورت و فعلیت هر قوه‌ای در این عالم است و ماده و قابلیت برای تحقق هر صورت و فعلیتی در عالم آخرت است. نفس انسانی، جامع درجات جسمانی و روحانیت است. اگر به ذات آن در این عالم بنگری، آن را مبدا همه ی قوای جسمانی می‌یابی که سایر صورت‌های حیوانی و نباتی و جمادی را به خدمت گرفته؛ چرا که آن‌ها آثار و لوازم او در این عالم هستند و اگر به او در

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



عالم عقلی و روحانی نظر کنی، آن را قوه و قابلیت می یابی که نزد سکان عالم ملکوت صورتی ندارد و در واقع آماده پذیرش صور روحانی والهی است» [۲۰] ملاصدرا هنگامی که به بحث از حکمت عملی می پردازد، حکمتی که دغدغه ی آن سامان دادن به روابط انسان با خویش (اخلاق)، اهل و اموال (تدبیر منزل) و اجتماع (تدبیر مدن) است، به جنبه ی متعالی این حکمت نظر دارد و غایت آن را استکمال نفس می داند. او بر اساس حرکت جوهری، که خود بر اصل تقدم وجود بر ماهیت مبتنی است، حکمت عملی را تدبیر و تلاشی انتخابی و عقلانی و مبتنی بر کشش های طبیعی و فطری انسان ها می داند که به جهت اصلاح خود و حیات اجتماعی برای نیل به سعادت و غایات الهی در پیش گرفته می شود. از نظر او، انسان کسی است که با اراده و اختیار خود ماهیت خود و جامعه خود را می سازد و با حرکت از نفس جزئی که بر اساس حسن اختیار و انتخاب فرد انسانی است، در جهت استکمال فردی و اجتماعی خود گام بر می دارد. نفس در این جریان شدن، در هر مرحله، لباس تازه ای می پوشد و هیئتی تازه می گیرد، بدون اینکه به وحدت مسافر لطمه ای وارد شود. در واقع مسافر در سراسر این راه یکی است [۲۰] سیر تکاملی انسان از جسم مادی شروع می شود و به سوی انسانیت کمال می یابد. کمال و سعادت برای انسان فطری نیست، بلکه وصول به کمال و سعادت فقط بواسطه ای افعال ارادی امکان پذیر است؛ مسئولیت هم از پیامدهای آزادی اراده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که انسان، آزاد، انتخابگر و صاحب اختیار است و به همین علت است که انسان دارای عقل و اراده است. [۲۸]

۳. یافته ها

۱.۳. مصداق کمال انسان از دیدگاه شهید ثانی کدامند؟

برای تبیین هر نظریه ای و روشنایی بخشیدن به واژه ها و مفاهیم بکار رفته در آن، مناسب است که ابتدا به جایگاه انسان در منظر صاحب نظریه توجه شود به عبارت دیگر اندیشمند مورد نظر نسبت به انسان چه دیدگاهی دارد او را چگونه می نگرد و رابطه او را با سایرین و جامعه ای که در آن زندگی می کند بر چه اساسی تفسیر می کند. در مباحث فلسفه سیاسی و نظریات اندیشمندان سیاسی این موضوع غلظت بیشتری یافته و انسان شناسی آن در رابطه با مسیر حرکت انسان در جهت تدبیر امور جامعه و تعیین سرنوشت سیاسی خود مورد توجه قرار می گیرد زیرا محوریت تحلیل در نظر و عمل سیاسی با انسان شناسی است. شیخ زین الدین بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (۹۶۶-۹۱۱ ه. ق) انسان را دارای قوا و نیرو هایی می داند که در راس آنها قوه عاقله و تفکر انسانی قرار دارد و شرافت، هویت و افتخار انسان بر سایر موجودات بر اساس همه نیرو و قوه می باشد. این قوه، مرکز و سرچشمه فکر و اندیشه انسانی است و بواسطه آن انسان می تواند اشیا و محیط اطراف خود را تمیز داده و پس از شناخت آنها برای تامل در حقایق و واقعیات، شور و اشتیاق بیشتری به تفکر بیابد. [۱۱] از نظر ابن سینا سعادت حقیقی در دستیابی به کمال هم از بعد نظری و هم علمی است. با این حال، کمال خاص انسانی را کمال عقل نظری می داند و اصلاح و تهذیب عقل عملی را مقدمه ای برای وصول به سعادت نهائی می شمارد. [۴] در همین راستا، شهید ثانی در کتاب «منیه المرید» خویش علت و وجه امتیاز انسان را بر سایر موجودات را چنین تبیین می کند: «معیار ارجحیت و برتری تو بر سایر همجنسانت از حیوانات، صرفاً همان نیروی تعقلی است که خداوند تو را بواسطه آن از سایر موجودات ممتاز شمرده و تشخیص دهنده بین صحت و سقم و درستی خطاست و بر همین اساس موجب دستیابی تو بر علوم مفیدی می شود که هم در دنیا و هم در آخرت نافع خواهد بود» [۱۲] در این خصوص ملاصدرا معتقد است انسان حیوان ناطق است و دیگری جسم است و آن یکی جسم نامی و... اما انسان از آن حیث که مسافر عالم ملکوت است، سقف ماهوی ندارد و حقیقتی است لایتنهای که مراتب وجود را یکی پس از دیگری طی می کند و هر لحظه به تجرد و روحانیت و کمال نزدیک می شود. [۵] از دیدگاه شهید ثانی فضیلت نقطه اوجی است که صفات و نیروهای باطنی انسان، هرگاه منتهج صحیحی را طی کنند بدان خواهند رسید بر این اساس است که شهید ثانی نیروهای درونی انسان را بر سه قوه عامله و غضبیه و شهویه تقسیم می کند. قوه عامله که همان مبدا فکر و تعقل در انسان است سرچشمه و خاستگاه تمامی صفات برجسته و عالی انسانی می باشد که در نهایت در ایستگاه علم و حکمت می توان به این فضیلت دست یافت و فضیلت قوه غضبیه در شجاعت و شهویه در عفت و پاکدامنی تجسم می یابد. [۱۱] در این خصوص ابن سینا نیز به وجود قوای سه گانه شهوانیه، غضبیه و تدبیر معتقد است او همچنین کمال قوه ی نظری را با این شکل می داند که: صورت کامل و نظام معقول در انسان مرتسم می

۱. «ام امتیازک عن سایر جنسک من حیوانات لیس الا بهذه القوه التي خصک الله بها من بینها المصیزه بین الخطا و الصواب الموجهه لتحصیل العلوم النافعه لک فی هذه دار و فی دارالماب»

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



گردد و انسان به عالم عقلی مبدل می گردد. [۴] نقطه محوری در انسان شناسی از دیدگاه شهید ثانی، وصول به عمل سیاسی فرد در جامعه است و به دلیل این که تمامی هویت انسان در قوه تعقل وی نهفته است وی برای تبیین این مقام به ماهیت عقل و مراتب آن اشاره دارد. در تمامی مباحث شهید، عقل جایگاه ویژه و برجسته‌ای داشته و یکی از منابع اصلی نظریات کلامی و فقهی در باب سیاست می باشد و این نکته به گونه ای است که در طریق تحصیل معارف بویژه در اصول دین هرگاه فردی راهی غیر از مسیر عقل را طی کرده باشد نادر و کالعدم فرض می شود. وی عقل را چنین تعریف می کند که: «نیروی در نفس انسان است که بوسیله آن استعداد و آمادگی جهت پذیرش علوم و ادراکات فراهم می گردد». نفس انسانی به اعتبار سرچشمه و خاستگاه خویش دارای مراتبی است همچنانکه بر اساس تاثیر خارجی خود نیز شئون و مراحل را داراست. «نفس انسانی به اعتبار تاثیرپذیری اش از مبادی مافوق به شکل استفاضه از آن مبادی برای تکمیل تعلقات، دارای نیرویی است که عقل نظری نامیده می شود و دارای مراتب چهارگانه ای است و همین نفس به لحاظ تأثیرگذاری کاملاً ارادی بر بدن برای افاده کمال به آن واجد نیرو دیگری به نام عقل عملی است که آن هم دارای چهار مرتبه می باشد». شهید ثانی این مراتب چهارگانه در عقل نظری و عملی را به بعید و متوسط و قریب و کمال تقسیم کرده و در عقلی نظری عنایت خویش را به مرحله متوسط آن مبدول داشته است که عقل بالملکه نام گرفته است «مرتبه متوسط عقل نظری، همانا استعداد و آمادگی نفس برای تحصیل مسائل نظری بعد از دستیابی آن بر مسائل ضروری است و به آن عقل بالملکه نیز می گویند». [۱۱] وجه اهتمام شهید ثانی به این مرحله از آن جهت است که وی انسان را در دنیا مکلف می داند و دارای وظایف و مسئولیتهایی در برابر دستورات شرعی است که بایستی آنها را به انجام برساند و برای انسان در راستای پذیرش مسئولیت ها، همین مرحله متوسط و عقل بالملکه کافی می باشد. زیرا در این مرتبه، هر انسانی حسن و قبح اشیا و افعال شناسایی کرده و استعداد فراگیری علوم را نیز دارا است. [۱۶] در نهج البلاغه این مکلف بودن انسان و انجام مسئولیتهای بدین صورت بیان شده است: منابع دینی و عرفانی ما همواره به رشد و کمال انسان نظر داشته اند و هر کدام به اندازه وسعت و توان خویش، عوامل و موانع رشد و کمال را بر طالب آن را هویدا کرده اند. به عبارت دیگر در این آثار، راه دشواری که بشر باید پشت سر بگذارد تا به سر منزل امن و آسایش برسد، ترسیم شده است، قرآن در راس همه آثار دینی و عرفانی به خوبی به این موضوع پرداخته است، زیرا همه جهانیان، مخاطب قرآن اند و قرآن برای سعادت آنان نازل شده است؛ بنابراین راه سعادت، دشواری آن، موانع راه و عوامل یاری رساننده آن در این کتاب آسمانی تشریح شده است.

ویژگی دیگر انسان که ناشی از قوه تعقل اوست و اختیار است. انسان به مانند حیوان تحت تاثیر محرکات نفسانی و رغبت‌های درونی واقع می شود اما در مقابل آنها، دست بسته و بی اراده نمی باشد و از یک نوع حریت برخوردار است. یعنی هرگاه همه عواملی که برای یک حیوان در انجام عمل غریزی وجود دارد و الزاما او را وادار به عمل و حرکت می کند برای انسان نیز مهیا می باشد. زمینه فعل و ترک برای او از ناحیه عقل و اراده خودش باز است انجام این عمل مشروط است به این که قوه تمیز و تشخیص او همانند یک شورای عالی به تصویب برساند و قوه اراده وی مانند یک قوه مجریه به کار بیفتد. از دیدگاه شهید ثانی، این امور ارتکازی و مسلم نزد عقلا دانسته و اراده و اختیار انسان را بدیهی فرض کرده است. «... دانشمندان قدیم نه متعرض گفتگو پیرامون قصد و نیت انسان شده اند و نه از احکام آن سخنی به میان آورده اند، زیرا آن را امری بدیهی در سرشت و فطرت خردمندان جهان دانسته بگونه‌ای که فعل آدمی خالی از قصد و انگیزی نیست این نقطه مقرون این است که انسان موجودی عاقل و دارای اراده و اختیار است». [۱۶] به عبارت دیگر هر فردی پاسخگوی رفتار خویش است و سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش را خود را رقم می زند و شهید ثانی در این راستا اعلام می دارد که: «پس آنچه از اعمال ناپسند و قبیح از ما صادر می شود مستند به قدرت و اختیار ماست و اراده ما در ایجاد آنها دخالت دارد». [۱۱] انسان در صحنه سیاست هم همین گونه عمل کرده و اعمال و رفتار سیاسی او هم بر این اساس شکل گرفته است. اینجاست که تاثیر انسان در سرنوشت خود به عنوان یک عامل مختار - که پس از فراهم آمدن همه شرایط طبیعی، در انتخاب فعل و ترک آزاد است - معلوم می شود.

۲.۳. ابعاد و ویژگیهای کمال انسان از دیدگاه شهید ثانی کدامند؟

۱.۲.۳. قوای انسانی از دیدگاه شهید ثانی

اول اینکه، نفس ناطق انسان دارای قوه و نیروی عاملی است که مبدا فکر و تشخیص و اشتیاق به تامل در حقایق می باشد. دومین نیروی باطنی انسان، قوه غضبیه است که مبدا و سرچشمه خشم و جسارت برای رفع ضررها و مبادرت به انجام کارهای خطیر و خطر آفرین و اشتیاق به استقرار سلطه بر دیگران است. نیروی سوم، نیروی شهوت است که خواستگاه مشتتهای نفسانی و تمایلات جهت جلب منافع اعم از خوراکی و آشامیدنی و سایر لذایذ جسمانی و لذتهای حسی است. این نیروها به گونه ای جدی در تعارض و تباین نسبت به یکدیگر

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



قرار دارند و هرگاه یکی از آنها مسلط و غالب گردد، قوای دیگر مقهور و منکوب می شود و چه بسا برخی افعال، دیگری را باطل کند اما فضیلت برای انسان زمانی حاصل خواهد شد که این نیروها معتدل شده و به افراط و تفریط نگرایند. شهید ثانی حکمت را «ملکه» یا عادت مستمره ای می داند که تحت سلطنت عقل، معتدل گردیده و سبب اشتیاق به معارف صحیحه می شود. اکنون برای آشنایی بهتر با مراحل این نیروها و چگونگی شکل گیری و ایجاد در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱. قوای انسانی و چگونگی شکل گیری آن

نیروهای درونی نفس	افراط	اعتدال	تفریط
قوه عامله	جربزه: کاربرد فکر در موارد غیر ضروری	علم و حکمت	بی خبری و غفلت زدگی
قوه غضبیه	تهور و بی باکی	حلم و شجاعت	جبن و ترسویی
قوه شهویه	عشرت طلبی	عفت	جمود: انزوا و دوری گزیدن از همه لذایذ حتی لذتهای مباح

شهید ثانی شجاعت را ویژگی خاصی برای انسان دانسته که تحت حکومت عقل و نیروی اندیشه به خود اعتدال می بخشد و فضیلت عفت نیز در نتیجه اعتدال قوای شهوانی تحت نظارت کامل عقل آدمی بوجود می آید. شهید ثانی برای تبیین بهتر عدالت چنین می فرماید: «و هنگامی که این فضایل سه گانه در نتیجه اعتدال نیروهای سه گانه نفس آدمی، مسالمت آمیز در کنار هم قرار گرفتند از میان آنها فضیلت چهارمی حادث می شود که از آن تعبیر به عدالت می گردد پس عدالت نوعی صفت راسخ و نافذ در نفس انسان است که در اموری که از طرف صاحبش واقع شود مساوات و حد وسط را رعایت می کند» [۱۱]. در نهایت می توان چنین گفت که در نظر شهید ثانی، عدالت ویژگی خاصی است که هر گاه عقل انسان بر جمیع نیروهای درونی انسان حاکم شود و جلوی افراط و تفریط آنها گرفته شود و سمت و سوی حرکت آنها را معقولانه سازد اعتدالی پدید می آید که به تعبیر وی «پس عدالت دایره کمال و حل اجتماع تمامی فضایل است که قوام و استواری آسمانها و زمین به آن وابسته است».

۲،۲،۳. دیدگاه شهید ثانی چگونه یک الگوی مطلوب برای تصعید انسان ارائه می نماید؟

اعتقاد به وحی و نبوت از نوعی بینش درباره جهان و انسان ناشی می شود یعنی در سراسر هستی، خداوند هدایت کننده موجودات به سوی غایت و کمال آنها می باشد. پروردگار به حکم اینکه حکیم است بر اساس قاعده لطف آبه هدایت انسانها توجه ویژه ای دارد و اصولاً بعثت پیامبران در راستای همین هدایت الهی تحقق یافته است و این بر اساس نیازی است که نوع بشر به این هدایت و راهیابی دارد و از طرفی بشر را بسوی مقصودی که ماورای افق محسوسات و مادیات است و خواه ناخواه گذرگاه بشر خواهد بود راهنمایی کرده و از طرف دیگر نیاز بشر را در زندگی اجتماعی که همواره نیازمند قانونی است که تضمین الهی داشته باشد برآورده سازد. شهید ثانی ضمن اینکه عقل و قوه تفکر انسان را بالاترین امتیاز انسان بر می شمارد اما بدلیل اینکه انسان دارای قوای دیگری نظیر قوه غضبیه و شهویه می باشد، بنابراین در معرض خطا و انحراف است و صرفاً پیامبران و امام معصوم از این انحراف در امان می باشند؛ «اعتراف می کنیم... به اینکه انسان مرکز خطا و اشتباه می باشد بجز ذوات مقدسه که مستثنی می باشند» [۱۰]. بنابراین آن گونه که خداوند مقرر کرده است انسان مسیر کمالی را طی می کند و سیر به سوی سعادت دارد و هر فردی متوجه می شود که زمام امور جهان هستی در دست خداوند حکیم

آبر اساس این قاعده، هر آنچه بنده را به اطاعت از خداوند نزدیک سازد و او را از معصیت دور گرداند انجام آن بر خداوند حکیم و فیاض لازم و ضروری است.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



است و حکیم نیز هدایت بندگان را بر خود واجب می‌داند. «دلیل بر اهمیت آن (فکر و عقل) این است که خداوند دانا و حکیم انسان را در بهترین صورت آفرید. و او را به قوه مدرکه و عقل و شعور و نیروهای دیگر مجهز ساخت و قلب او را با هدایت منور ساخت و او را با نظر و اندیشه صحیح و فکر نافذ زینت داد» [۱۱] این بیان شهید ثانی دلالت بر این دارد که علاوه بر عقل که رسول باطنی تلقی می‌گردد انسان به دلیل نواقصی که دارد نیازمند هدایت الهی است و خداوند او را از این هدایت و راهنمایی برخوردار نموده است. در این راستا دین و شریعت که از جانب خداوند برای انسان وضع گردیده و توسط پیامبران به انسان رسیده است برای سوق دادن انسان به سرمنزل مقصود و کمال غایی می‌باشد. شهید در تحلیل وضع شریعت چنین می‌گوید: «حکمت وضع دین و شریعت هدایت گمراهان و جلوگیری از خطاها و لغزشهاست پس خداوند در این راستا، پیامبری را مبعوث کرد که آیات الهی را بر آنان تلاوت کرده و آنان را پاکیزه ساخته و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد همانایی که تا قبل از آن در گمراهی آشکار بودند» [۱۱] بر اساس نظریات شهید ثانی، انسان بدلیل وجود فطرتی که خداوند در گوهر وی به ودیعت نهاده و این فطرت را با سلاح عقل مجهز ساخته است بایستی راه به سوی سعادت برد و هرگاه این فطرت الهی با هدایت پیامبران و امامان همراه شود دین و شریعت الهی می‌تواند به کارکرد اصلی خود بپردازد. «پس اگر فطرت انسانی در همراهی با هدایت شرعی الهی، کافی در تحصیل دین و دستیابی بر شریعت نباشد تکلیف فوق طاقت لازم می‌آید» [۱۱]

حال این سوال مطرح است که آیا انسان اجتماعی آفریده شده است و در نهاد انسان گرایش به زیست جمعی وجود دارد و با این که اضطراب و جبر بیرونی، انسان را مجبور کرده است که زندگی اجتماعی بر او تحمیل شود. شهید ثانی پس از بیان تقریب الی الله بعنوان هدف خلقت و دور کردن انسان از جهل و نادانی و جلب و جذب وی به «دارالقرار» به ملزومات این هدف و مقصود اشاره می‌کند: «از لوازم ضروری این هدف، تدبیر حالات معاش و زندگی مادی و سایر مسائلی است که برای بقاء نوع بشر بایسته است و این امر متوقف بر اجتماع و تعاون و همیاری انسانهاست که بواسطه تعلیم و تعلم حاصل می‌شود» [۱۳] سپس وی برای بیان این ضرورت و لزوم اجتماع انسانها و وابستگی منافعشان به یکدیگر چنین تعلیل می‌کند که: «زیرا انسان طبیعتی مدنی و اجتماعی دارد و تحصیل زندگی خویش را به تنهایی نمی‌تواند به انجام رساند و توانایی دستیابی بر تمام اهداف و اغراض خویش مانند خوراک و پوشاک «دارایی» را ندارد. پس غرض خداوند حکیم بر اجتماع و پیوند قلوب و دوستی و محبت بین انسانها قرار گرفته است» [۱۳] بنابراین اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش وی پی ریزی شده است و بگونه‌ای طراحی شده است که انسان علاوه بر دارا بودن این سرشت، به تنهایی قادر و تحصیل و کسب احتیاجات خویش نمی‌باشد. شیخ زین الدین عاملی (شهید ثانی) علاوه بر آن در بسیاری از موارد علت برخی عبادات سیاسی اجتماعی را نیز تجمع و اجتماع مردم دانسته و در بعضی از نماز جمعه، حکمت اجتماع مردم در یک روز خاص و در مکانی معین را چنین تحلیل می‌کند: «حکمت امر به نماز جمعه با وجود نص (صریح قرآن و روایات) این است که مطلوب خداوند متعال، اجتماع مردم در مکانی واحد است که قلوب انسانها در آنجا پیوند خورده و بصورت مجتمع به خداوند توجه می‌کنند و نفس اجتماعی دلها مدخل و زمینه عظیمی برای نزول رحمت الهی و اجابت دعاست» [۱۸] وی در جای دیگر نیز نظرش را بسط داده و اجتماع را نه تنها بستر مناسب نزول رحمت الهی، که بالاترین و بزرگترین و شاید منحصر ترین روشی تلقی کرده است و در بحث حج و اجتماع در عرفات پس از بیان اهمیت آن می‌گوید: «هیچ راهی برای نیل به رحمت الهی مهم تر از اجتماع امت ها و تعاون و همیاری دلها در زمان واحد و مکانی مشخص نیست» [۱۴]

نتیجه گیری

انسان کامل، یا انسانی آرمانی در واقع انسانی است که تمامی ارزش های انسان به طور کامل در او تجلی پیدا کند و انسان کامل در واقع کسی است که به عنوان یک الگوی موثر برای سایر افراد به حساب آید. در مورد کمال انسانی و ماهیت انسان کامل، نظرهای متفاوتی وجود دارد و در واقع در طول دوره تاریخی هر شخصی به دنبال گمشده ای به نام «انسان کامل» بوده است. دین اسلام نیز از آنجایی که یک دین جامع و کاملی، می‌باشد اهمیت بسیار زیادی به موضوع «کمال انسانی» قائل است. هر چند مقصد نهایی پیامبران و ائمه رساندن انسان به کمال نهایی است لکن این مقصود از طریق برقراری عدالت اجتماعی حاصل می‌شود و تحقق عدالت اجتماعی نیز وابسته به استقرار حکومت عدل است. شهید ثانی هرگاه در نظریه حکومتی خویش، حکومتها را به انواع مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌نماید و

۲. من العلماء المتقدمین منهم لم يتعرضوا للبح عن النیه و لاعتن شء من احكامها ببناء علی انها امر مرکوز فی جبله العلاء حتی ان الانسان لا یکاد یفعل فعلا خالیا عن القصد و الداعی مع کونه عاقلامختارا»

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



برای حکومت مطلوب شریطی را در نظر می‌گیرد مبتنی بر نوع نگاهی است که وی به انسان و طبع مدنی وی دارد زیرا انسان در این دیدگاه در عین تمایل به زیست اجتماعی و مجهز بودن به عقل نیازمند به هدایت و راهبری از جانب خداوند می‌باشد و چون حاکمیت خداوند بر امور دنیوی و اخروی انسان در مباحث هدایت و امامت، مغروض تلقی شده است هم در تعیین حاکم در عصر غیبت به شکل سلسله مراتبی و به واسطه ی پیامبر و امام و سپس فقیه جامع شرایط نقش اصلی را ایفا می‌کند. انسان یا آئینه تمام‌نمای احسن التقویم، بلکه موجود عجیب الخلقه که برای همیشه بزرگ‌ترین شاهد و دلیل عظمت آفریدگار جهان است، بطور مسلم که: عقل و نقل گواه و حاکی هستند مدنی الطبع بدست توانای کردگار عزیز که خمرت «خَمَرَت» طنینه آدم علیه السلام بیدی آفریده شده^۴ و شبیه نیست که: این موجود نیرومند طبعاً نیازمند با جتماع و معاشرت با هموعان می‌باشد، از این نقطه راهی که هرچه بهتر منظور او را عملی کند باید در نظر گرفته شود تا بی‌گدار به آب نزده و از مقصود خود عقب نماند. در نتیجه استوارترین وسیله که امور اجتماعی وضعیت زندگی او را به خوبی اداره می‌کند، علم و دانش است و آدمی تا آنجا که توانایی دارد باید در این راه قدم بگذارد و از این نعمت عظیمی که خدای متعال به فرزند آدم ارزانی فرموده بنحوی شایسته برخوردار شود. شهید ثانی معتقد است طبیعت و جهان هستی بر اساس عدالت استوار است و هرگاه عدالت رخت بریندد و اشیاء از جایگاه حقیقی خود دور شده و در غیر موضعشان قرار گیرند نظم عمومی در جهان نیز بر هم خواهد خورد.

منابع

- [۱] ابراهیمیان آملی، یوسف، (۱۳۸۱)، جلوه دلدار، ترجمه جامع السرازمی، تهران، رسانش.
- [۲] ابن سینا، محمد بن محمد (۱۳۸۶) اشارات و تنبیهات، ترجمه و شرح حسن حسن زاده آملی، قم، آیت اشراق.
- [۳] یزدانی آبادی، احمد، (۱۳۸۵) بررسی تطبیقی آراء حکما و اندیشمندان ایرانی - اسالمی درباره انسان کامل، خردنامه صدرا، صص ۶۰-۴۱
- [۴] جواد آملی، عبداللہی، (۱۳۷۲)، تحریر تمهید القاعد ابن ترکه اصفهانی، تهران، انتشارات الزهرا
- [۵] حکمت، نصر اللہی (۱۳۸۱) مسئله چیست، تهران، انتشارات الهام، چاپ اول .
- [۶] خسروی، محمد مهدی (۱۳۸۶) انسان کامل از دیدگاه مولوی، فصلنامه انجمن، شماره ۲۷
- [۷] درودگر کسمایی، سید طاهره، (۱۳۹۷) ابعاد وجودی انسان از منظر تفسیر المیزان و متون زرتشتی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسالمی - ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسالمی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۸] رسولی گروی، فخری (۱۳۸۸) انسان شناسی در آثار منظوم جامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۹] رضایی امیرگوایر، مهوش، (۱۳۹۱) تبیین روابط انسانی در دانشگاه بر اساس دو دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه مرکز پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
- [۱۰] روض الجنان
- [۱۱] زین الدین عاملی (شهید ثانی)، حقایق الایمان، چاپ اول، (قم: مکتبه ایه ا. . العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۰۹) ص ۲۰۹.
- [۱۲] زین الدین عاملی (شهید ثانی)، مینه المرید فی ادب المفید و المستفید، رضا مختاری، چاپ سوم، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی ۱۴۱۵ ه. ق/ ۱۳۷۴ ه. ش)،
- [۱۳] زین الدین عاملی (شهید ثانی)، کشف اربیه (در مجموعه ای با عنوان محاسبه النفسو کشف الریبه)، (قم: انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۱)،
- [۱۴] زین الدین عاملی (شهید ثانی) خاتمه رساله مناسک الحج (خطی) صفحات اخوان) مناسک حج کبیر (رمز: عد) کتابخانه ایت ا. مرعشی.

^۴ إِنَّ اللَّهَ خَمَّرَ طِينَهُ آدَمَ بَيِّدَهُ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا «خداوند متعالی طینت و سرشت ذات انسان را در مدت چهل روز به پرداخت» (عوارف المعارف).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- [۱۵] زین الدین عاملی (شهیدثانی)، رسائل الشهدید الثانی (ط - الحدیثه ۲)، جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ق
- [۱۶] زین الدین عاملی (شهیدثانی)، روض اجنان فی شرح ارشاد الازهان، چاپ سنگی، به کوشش حاج شیخ محمد رضا طهرانی، ۱۳۰۳ه. ص ۲۵۹ (محل دسترسی: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) کتابخانه نسخه دیگر آن مربوط به نشر موسسه آل البیت لاحیاء التراث است).
- [۱۷] زین الدین عاملی (شهیدثانی)، روض اجنان فی شرح ارشاد الازهان، چاپ سنگی، به کوشش حاج شیخ محمد رضا طهرانی، ۱۳۰۳ه. ص ۲۵۹
- [۱۸] زین الدین عاملی (شهیدثانی)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳
- [۱۹] زین الدین عاملی (شهیدثانی)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳
- [۲۰] زین الدین عاملی (شهید ثانی) رساله صلاه الجمعه، در مجموعه چند رساله (خطی) فهرست شده در کتابخانه مجلس شورای ملی
- [۲۱] شاکر، محمد کاظم، موسوی حرمی، فاطمه سادات (۱۳۹۰) کمال پذیرى انسان، نقطه عزیمت در گفتمان ادیان، انسان پژوهی دینی، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۴۳-۷۱
- [۲۲] صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۸) الحکمه المتعالیه فی السفار العقلیه الربعه، ج ۸، قم، منشورات مصطفوی.
- [۲۳] علوی پناه، الهه، (۱۳۹۵) بررسی انسان کامل از دیدگاه حکمت متعالیه و نهج البالغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شاهد.
- [۲۴] فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰) تربیت در تهج البالغه، تهران، آبیژ.
- [۲۵] گلشن زاده، محسن، (۱۳۹۳) انسان کامل با تکیه بر مخزن السرار نظامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، دانشکده علوم انسانی.
- [۲۶] گنجی، اکبر، (۱۳۷۶) سنت مدرنیته، پستمدرن، چاپ اول، تهران، نشر صراط.
- [۲۷] لیوتارد، فرانسوا، (۱۳۹۴) پدیده شناسی. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی
- [۲۸] مرادخانی، علی (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی فرآیند تربیت انسان کامل از منظر روان شناسی و قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده فلو م تربیتی و روانشناسی.
- [۲۹] مرادی، محمد هادی، عنافجه، مهین، (۱۳۹۰) سیمای انسان کامل از دیدگاه قرآن و عرفان، فصلنامه آفاق دین، سال ۲، شماره ۶.
- [۳۰] مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) شرح مختصر منظومه، تهران، صدرا.
- [۳۱] نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چهارم، ۱۳۷۲ ش.